

بنام خداوند (ج)  
حب الوطن من الايمان (حديث شريف)

## طرح مفکوره تجزيه افغانستان، اندیشه ضد اسلامی و ایده استعمار برای بلعیدن کشور ما است.

با تشکر فراوان از جناب آقای ولی احمد نوری که با نوشتار و مقاله وزین خویش تحت عنوان :  
(مفکوره تجزيه افغانستان خیانت ملی است)

جمعی از روشنفکران و قلم بدستان افغانستان را بیک امر بسیار خطیر، مهم و حیاتی و ملی به صحنه مناقشه و ابراز نظر فرا خواندند، و نظریه پردازان استعمار کهن و امپریالیزم معاصر و عوامل بد سگال خارجی و میهن فروشان داخلی افغانستان عزیز را به چلنج طلبیده اند.

دوستان و قلم بدستان ارجمند هرکدام بنوبه خویش پیرامون این ایده استعماری تجزيه افغانستان و تاثیرات خطرناکی که بر این حوزه و قلمرو کل آسیا دارد بر شمرند. اکثریت قریب به اتفاق قلم بدستان نیز بر ضد اندیشه استعماری و وارداتی تجزيه افغانستان قلم زدند، که من بسهم خویش از فرد فرد این روشنفکران رسالتمدار و با ایمان و فرهیخته گان وطن دوست کشور عزیز، افغانستان سربلند ابراز تشکر کرده و بصورت خاص از جناب آقای ولی احمد نوری، انجینیر فضل احمد افغان، آقای وحید مزده، جناب عارف عباسی، محمد عزیز عزیزی، شاه محمود حصین و استاد ارجمند جناب صلاح الدین سعیدی و جمعی دیگر باید جداً ابراز شکران نمایم.

از نظر بنده، استعمار و اشغالگران و غارتگران اقتصادی کشورها و ملت ها بعد از اینکه خود را در مقابل اراده جمعی مردم و مقاومت های ملی مشاهده کردند، و تاوانهای سنگین جانی، اقتصادی و حتی سیاسی دادند، استراتژی جنگ مستقیم و رو در رو را، با طرح تیوری توطئه جدید تغییر داده و با درهم شکستن صفوف وحدت ملی کشورها بزرگترین دیوارهای مقاوم را از پیشروی خویش برداشتند و بدین وسیله کشورها را بصورت آسانتر، یا کاملاً در اشغال آورده و یا لااقل پایگاه های نظامی خویش را در آنجا ها مستقر ساختند و از منابع طبیعی و اقتصادی کشورهای تجزيه شده، بیشترین بهره برداری را، بصورت رایگان و بدون هیچگونه درد سری کمائی کردند. افغانستان سرزمینی است که بسیاری از امپراتوران و کشور گشایان و غارتگران و متجاوزان را در خاک خویش مدفون کرده است، و این امر در خاطرات تاریخ کهن و حتی تاریخ معاصر این کشور و جهان کاملاً مشهود و فراموش ناشدنی است.

البته این امر نیز به استراتژیست های جهان معلوم است که هرکشور و قدرتی که، درین خطه استراتژیژیک و کوهستانی و قله های بلند و شامخ آن مانند پامیر، هندوکش و بابا و..... حکمروائی کند بر تمام فعل و انفعالات سیاسی و نظامی و حتی اقتصادی منطقه و حتی قاره آسیا میتواند رول موثر بازی کرده و یا آنها را کنترل نماید. و این امر نیز برای زیادی از اندیشمندان هم محرز است که امنیت و ثبات این خطه میتواند امنیت آسیا را با خود همراه داشته و بی ثباتی و عدم استقرار این خطه کل قاره آسیا را تهدید کند، چنانچه فیلسوف نامدار و شاعر آزاده و بلند آوازه شوق حضرت علامه اقبال لاهوری میفرماید:

آسیا یک پیکر آب و گل است - ملت افغان در این پیکر دل است  
از گشاد او گشاد آسیا - از فساد او فساد آسیا

استعمار بین المللی، بعد از سقوط کمونیزم (بعنوان بزرگترین حریف نظامی- سیاسی و اقتصادی) در جهت برهم زدن بیشتر توازن سیاسی و نظامی و اقتصادی منطقه و جهان برآمد، و اینکار را از اروپای شرقی، شرق میانه و افریقا و... آغاز نمود که در نتیجه آن جنگها را در حوزه خلیج و شرق میانه سبب شد. و اخیراً مسئله اشغال عراق در سرلوحه و اجندای کاری آن قرار گرفت و در نتیجه این جنگ ویرانگر و تباه کن، نفوذ و سلطه نظامی و استعماری خویش را بر کل شرق میانه از طریق تأسیس پایگاه های نظامی در اکثریت کشور های شرق میانه و عربی و اخیراً در عراق، بصورت همیشگی تثبیت کرد. در ادامه این حرکت اشغالگرانه، دنباله این حرکت استعماری نیز به افغانستان کشانده شد، (اگر چه طبق گذارشات و اسناد یکه بعداً افشا شد طرح حمله بالای افغانستان چند سال قبل از جنگ عراق مد نظر گرفته شده بود) همانطوریکه قبلاً اشاره شد ملت افغانستان، با مسئله تجاوز و اشغال سرستیز داشته و گاهی تن به ذلت، زبونی و در یوزگی نداده

د پانو شمیره: له ۱ تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

است، و ما با تاریخ درخشان و کهن خویش به همه استعمارگران این امر را نشان دادیم، و شکست امپراتوران، کشور گشایان و سلطه جویان بین المللی و حتی همسایه های آزمند و حریص ما شاهد چنین شهکارهای تاریخی ملت ما بودند.

امروز نیز تاریخ دوباره تکرار میشود و عملاً دیده و می بینیم که بیش از ۳۸ کشور، با بزرگترین قدرت نظامی بی بدیل و بی حریف خویش، به افغانستان هجوم آوردند، و آنها با چه دشواریها و معضلات دست و پنجه نرم کرده و چه خسارات بزرگ اقتصادی-سیاسی و حتی جانی را متحمل شده اند، هرچند که با تمام توان کوشیده شده اند که مسأله مداخله نظامی و اشغال را از طریق تمام رسانه های حاکم در دنیا و مزدوران و عوامل داخلی و خارجی خویش، به موضوع کمک و مبارزه بر ضد تروریسم و طالبان و یا همکاری با دولت افغانستان و ملت افغان و ساختن دوباره افغانستان با پلان مارشال قلمداد کنند، و امروز کذب و دروغگوئی ایشان بعد از هفت سال به مردم ما و کل جهان محرز و آشکار شد.

امروز که اصل درامه رسوای مداخله نظامی به شکست مواجه شده است، دیده میشود که آخرین تیر خلاص را که توطئه بسیار عظیم و خائنه است بالوسیله (رابرت بلیک) سفیر سابق امریکا در هند عنوان میشود. البته طرح این توطئه را میتوان جزئی از طرح تیوری توطئه جنگ تمدنها که ذریعه سیاستمدار افراطی و خشن امریکا (ساموئیل هاتینگتون) که در صدد به آشوب کشاندن جهان اسلام است به حساب آورد که در وقت بسیار حساس و منطقه ملتهب و خطر ناک عنوان میشود.

در مورد اینکه آیا طرح زمینه های تطبیقی و عملی دارد یا خیر؟ بحث ها و تفسیرهای بسیار مفصل و موشگافانه را لازم دارد تا همه اربابان خرد و اهل نظر خاصاً سیاسیون و استراتژیستهای حوزه و منطقه و حتی درجهان ابراز عقیده نموده و اگرچه بعضاً هم ابراز نظر داشته، و تعدادی هم مسایل و تبعات ای توطئه خطرناک را برشمرده اند. در آینده نیز ممکن هم تعداد دیگری از اندیشمندان، نتایج و خطرات سهمگین این ایده استعمار را برملا کرده و خواهند کرد.

اگرچه در بدایت امر اکثریت قریب به اتفاق مبصرین افغانی ما از عملی نشدن این ایده استعماری سخن بمیان آورده اند، اما بنظر بنده، با آنچه در عراق اتفاق افتاده است، امکان فراهم آوری مقدمات این توطئه خطرناک بعید نیست، زیرا طوریکه در عراق بچشم سر دیدیم و می بینیم که استعمار، اولاً احزاب سکولار کردهای عراق را با ایده استقلال کردستان با خود همراه کرده و نفوذ خود را در بین شان قایم ساخته و عوامل و سرسپردگان و مزدوران گوش بفرمان از بین شان انتخاب کرد.

به عین ترتیب با انتخاب سران احزاب و مزدورانی از اهل تشیع غلات و افراطی عراق که از لحاظ فکری و اعتقادی ایشان، با رژیم آخوندی ایران وابسته بودند و یا بعبارة دیگر همه آنها ساخته دست رژیم تهران و آخوند های حوزه قم بودند، همه شان به اشاره ایران خود را به استعمار چسبانده و در سر سپردگی و نوکری با سران کردها به رقابت پرداختند، و در نتیجه بهترین سربازان و پیش مرگان استعمار، از داخل عراق برای اشغالگران مساعد شد، و همه ما و شما و کل جهان شاهد بودیم که برخلاف همه اصول و نورم های قبول شده بین المللی، بر کشور عراق حمله صورت گرفت، و رژیم قانونی عراق را ساقط و این کشور را به ویرانه کامل تبدیل کرده و بعداً مزدوران و عوامل سرسپرده و نوکران خویش را بر عراق حاکم ساخته و کل مقدرات سیاسی و اقتصادی این کشور اسلامی و ثروتمند را بدست گرفتند، و آقای رامسفلد وزیر دفاع امریکا و پل برمر حاکم مختار امریکا در عراق اشغال شده با هدیه کردن ذوالفقار حضرت علی (رض) به ابراهیم جعفری و سردمداران فعلی عراق، از آنها خواست تا حکومت شیعی افراطی و متعصب را در عراق قایم بسازند و چنان هم کردند.

اگرچه تا حال استقلال کامل کردستان محرز نشده است اما عملاً کردستان با طرح فدرالیت کردن آن، از مرکز عراق کاملاً مجزا بوده، نشان و بیرق و اردو و حکومت و کابینه و تصمیمات علیحده خود را دارند. و اما امر مهمتر اینکه نه تنها امریکا در کردستان پایه هایش مستحکم و میخ کوب شده بلکه سربازان اسرائیل و عوامل سازمان موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) با دست باز در کردستان مصروف پیاده کردن برنامه های آینده خویش هستند.

گردانندگان نظام شیعی عراق هم با تبنانی با حکومت صفوی ایران در قلع و قمع کردن اهل تسنن عراق مصروف بوده و همچنین عناصر ملیگرا و اعراب و کسانیکه خواهان تمامیت ارضی عراق و استقلال کامل کشور بوده و از عراق یکپارچه دفاع میکنند، همه آنها را از کار و فعالیت سیاسی بایکات کرده و حتی ترور و سر به نیست کرده و میکنند و امروز کسانیکه در عراق از حقوق اهل تسنن دفاع کنند بنام وهابی قتل عام میشوند و هر جریان سیاسی ای که از

د پائو شمیره: له ۲ تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

تمامیت ارضی عراق و استقلال کامل کشور و بیرون شدن عساکر خارجی سر بلند کند بنام بعثی و وابسته به صدام حسین رئیس جمهور اسبق عراق نیز بطرف جوقه مرگ و ترور سوق داده میشود. و زهی بیشر می است که شیعه های وارداتی تهران، در عراق همانطوریکه پیش مرگ سپاه اشغال بودند بیش از کردهای سکولار و مزدوران دیگر، در امتیاز گیری با اشغالگران همسو و هم جهت بوده و برای پیاده کردن برنامه های استعمار با همکاری و همسوئی رژیم ایران با اشغالگران همکار بوده و عمل مینمایند. (موضوع همکاری و قراردادهای امنیتی تهران با امریکائیا در مورد عراق است).

در حالیکه در تهران با زبان دروغین شعار ضد غرب و امریکا سر داده میشود اما در عمل در عراق و افغانستان در سرسپردگی و مزدوری و پیاده کردن اهداف استعمار با تبنانی کامل ایشان مصروف کارند. بهر صورت تجربه زهر آگین و خطرناک ملت عراق را نباید در مورد افغانستان از نظر دور داشت. و یا آنرا غیر محتمل دانست. زیرا در شرایط فعلی برای اشغال گران، بیشتر تلاش برای پیدا کردن زمینه های اولی و مقدمات لازم و تمهیدات اولیه امر ضروری است، تا فراهم شود و تطبیق این پلنهای و اهداف شیطنی در شرایط و زمان بعدی مد نظر خواهد بود.

و با یک عالم تاسف باید گفت که همان مسابقه خوش خدمتی و نوکری با جانب همانطوریکه در عراق بالوسيله کردها و شیعه های وابسته بایران تکرار شد، این امر در افغانستان نیز پیش زمینه های آنرا ما بچشم سرمشاهده کرده میتوانیم.

در جریان انتخابات گذشته ملت افغانستان شاهد خیمه شب بازیها و سرسپردگی ها و مزدوری عناصر زیادی بود تا با پول و حمایت خارجی ها خود را جلو بیاندازند و خود را برگزیده مردم تحمیل کنند. و زهی بی شرمی و خجالت بود که در عرصه مبارزات و رقابتهای انتخاباتی، چه بسا که رقبای اصلی برای احراز قدرت سیاسی در کشور، هر کدام با صراحت لهجه خود را بر دیگری خدمتگذارتر و صادق تر و مطمئن تر... برای خارجیا و خاصتا امریکائی ها قلمداد میکردند؟!!

حال با در نظر داشت عوامل متعدد قومی و تباری، زبانی و مذهبی و مداخلات پیهم و مستمری همسایگان بی آرم ما نباید این مسأله را هم بطور قطع منتهی دانست. اگر فرض را ما بر موفق نشدن این استراتژی استعمار (تجزیه افغانستان) قرار دهیم، و زمینه های تطبیق و عملی شدن این ایده را خیلی مشکل بدانیم، اما این مسأله را نمیتوانیم از نظر دور داشته باشیم که همین حالا تلاش برای زمینه سازی و قدرالیه کردن افغانستان جریان ندارد.

این امر خود مقدمات تجزیه را به همراه خواهد داشت. تشدید اختلافات قومی و تباری، زبانی و مذهبی و سمتی و حزبی و گروهی همه پیش زمینه های نامیمون و نامقدسی است که کشور را بسوی تباهی و نیستی میکشاند. احزاب افراطی و ضد اسلامی با اندیشه های سکتاریستی، ویا فاشیستی و تبلیغات ناروا و ضد اسلامی و ضد اخلاقی بر علیه پشتونها و یا فارسی زبانها و همچنین اشاعه اندیشه های متعصبانه و خرافی و ضد عقاید اسلامی اهل تسنن و اکثریت جهان اسلام، که از طریق رسانه های کفر آلود و تلویزیون های اهل بیت، سلام، امام حسین، ثامن و ده ها رسانه صوتی و تصویری دیگر صورت میگیرد همه و همه، برای عمیق ساختن اختلاف مذهبی و ایجاد نفرت و بدبینی در بین مسلمانها ایجاد شده است و گویا و مبین این واقعیت است که در پشت این حرکتها سپاه استعماری، سناریوی بسیار پلید و خبیث، تفرقه، نفاق، انشقاق و تجزیه افغانستان نهفته باشد. متأسفانه این مسایل نیز از طرف حلقه های وابسته به استعمار در داخل و خارج، و ذریعه کشورهای مختلف، و جهات مختلف و اشخاص مختلف تقویه و حمایت و حتی تأمین میشود.

هر چند دوستان و برداران فرهیخته، به آثار و تبعات خطیر سیاسی و نظامی این ایده استعماری اشارات مبسوطی داشته اند و من درین مقاله مختصر فقط به اثرات زیانبار دینی و اسلامی قضیه بیشتر تاکید دارم. برای روشن شدن بهتر این قضیه بصورت مختصر و موجز باید عرض کنم که از زمان ظهور دین مبین اسلام درین خطه جغرافیائی، این کشور پهناور، با اندیشه توحیدی زمینه وحدت و همبستگی مردم این خطه را سبب شده و همچنین پخش و نشر اندیشه دینی، زمینه انکشاف و توسعه بیشتر این کشور بزرگ، گردیده و در پهنای آن افزوده است. البته این عقیده توحیدی ملتها را در راستای پیشرفت و تعالی و تکیه بر پایه های اعتقادی آن نیز کمک کرده و استقلال و حاکمیت شانرا در هر زمانی بیمه و تأمین کرده است.

اگر در هر زمانی مملکت و یا کشور و امپراتوری درین خطه چشم طمع دوخته است، جانبازان راه خدا و مجاهد مردان فی سبیل الله برای دفاع از کیان اسلامی، و حفظ ارزشهای اعتقادی و پاسداری از حریم کشور اسلامی به

د پائو شمیره: له ۳ تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

عنوان وجیبه و فریضه اعتقادی مردانه عمل نموده و زنان، مردان، پیران و جوانان، مسئولانه بمیدان آمده و وجیبه (حب الوطن من الایمان) را با کمال صداقت‌مندی به انجام رسانده اند.

تاریخ هیچگاهی قربانی های ملت کبیر و عظیم الشان افغان را در برابر متجاوزین خارجی و استعمارگران بین المللی (اعم از تجاوزات مغول ها، تزارهای روسی، صفوی های ایرانی، استعمار انگلیس، و استعمار کمونیسم شوروی سابق و امپریالیسم و اشغالگران فعلی و...) فراموش نکرده و نمیکند.

در طی چندین قرن اخیر و خاصاً چند دهه واپسین، همه جهان شاهد اتحاد و یکپارچگی این ملت کبیر در تحت نام دین اسلام و اندیشه توحیدی بوده و این ملت متحد و یک پارچه، پوزه ابرقدرتها و عوامل خارجی را بخاک مذلت کشیده است، و از مقدسات اسلامی، تمامیت ارضی، استقلال، هویت ملی، و ارزشهای تاریخی خویش مردانه و جانبازانه دفاع نموده است.

الحمد لله این پوتانسیل نیرومند و قوی در عمق روح و وجدان ملت ما بیدار بوده و تا حال فعال و زنده بود و می باشد، و امید وارم تا برای همیشه زنده باقی بماند. اگرچه برای تخریب این اندیشه نیز از طرف حلقات وابسته به استعمار نیز تلاشها صورت گرفته و میگیرد، اما هنوز الحمد لله درین عرصه دشمنان دین و وطن اسلامی ما موفق نبوده اند.

حال اگر استعمار این سلاح نیرومند و غیر قابل شکست را، با اندیشه های مطرود سکتاریستی و ستمی گری و فاشیستی از ملت ما سلب کرد، و یا خدای ناخواسته مسأله زبان و تبار و قوم و حزب سیاسی و جهت و سمت را، جایگزین دین و اعتقاد توحیدی ملت ما بنماید، درین صورت، من بصورت قطع اعلام میدارم که اساس و شیرازه وحدت و انسجام ملی و اخوت اسلامی و روحیه تعاون و همکاری اسلامی و برادری برای همیشه قطع و از بین خواهد رفت. و این کشور دیر یا زود طعمه استعمارگران خواهد شد.

عوامل استعمار نیز باید بدانند که وقتی استعمار بر مقدرات شان حاکم شد دیگر برای ایشان نیز جایگاه و ارزش اسلامی، افغانی و یا انسانی باقی نخواهد ماند. زیرا شما در تاریخ سراغ ندارید که از طریق غلامی و نوکری به بیگانگان کسی به جایی رسیده باشد و یا غلام و نوکر اجنبی بتواند برای خود جایگاه و منزلتی در دنیا و یا آخرت پیدا کند.

و همچنین تاریخ افغانستان هیچگاهی سرنوشت ننگین و ذلت بار شاه شجاع ها، ترکی ها، امین ها، ببرکها، نجیب ها، و... را از یاد نبرده، و همچنین حالت ننگین و شرمساری جعفریها، مالکیها، احمد چلبی ها، موفق ربیعی ها، بارزانیها، طالبانها و حتی سیستانی ها را در عراق فراموش نخواهد کرد.

در خاتمه و نتیجه گیری باید عرض نمود که همانطوریکه، اسلام اساس و بنای اولی اعتقادی آن بریگانه پرستی و توحید است، وحدت و اتحاد شعار زبانی و یا سیاسی برای مسلمان نبوده بلکه وظیفه اعتقادی و عملی است و هر مسلمان وظیفه دارد تا برای توحید صف مسلمین و دوری از شقاق و نفاق عملاً وارد میدان مبارزه شود و عوامل و انگیزه های که مسلمانها و کشور های اسلامی و حتی امت مسلمه را در جهت اختلاف و تفرقه میکشاند درست بازشناسی کرده و در جهت علاج آن در شعاع قرآن و سنت پیامبر اسلام وارد عمل شود.

تفاوت نظرات و سلیقه های سیاسی و اجتماعی و یا شخصی امر ناپسند، بد و مذمومی نیست، اما اختلاف و انشقاق و دو دستگی و چند دستگی امر بد و نامیمون است و از لحاظ شرعی و دینی مردود است.

مسلمانان با شهامت افغان هیچگاه نباید مسأله قوم و تبار و عشیره و یا زبان و یا سمت و مذهب و حتی حزب سیاسی و افراد و اشخاص را بالاتر از فرمانهای قرآن و رسول گرامی اسلام قلمداد کنند.

قرآن کریم به همه ما دستور اکید میدهد که: **(وكونوا عبادالله اخوانا)** همه شما بنده خدا و برادر همدیگر هم باشید. ازین شعار قویتر و نیرومند تر برای توحید صف کشور اسلامی و امت اسلامی و حتی جامعه بشری سراغ نمیشود. البته در کشور اسلامی افغانستان حتی پیروان ادیان غیر اسلامی نیز باید از حقوق و امتیازات مدنی و هموطنی بهره مند بوده و در انجام شعایر و مناسک دینی آزاد بوده و حتی در آزادی های سیاسی و مدنی در پیشگاه حکومت اسلامی و قانون حقوق مساوی دارند. و هیچگاهی ایشان نیز نباید احساس بیگانگی و غربت و تبعیض نمایند. و در چنین شرایط است که کشور اسلامی افغانستان متحد و یکپارچه و متشکل و نیرومند و قوی باقی خواهد ماند و ملت ما نیز در برابر توطئه دشمنان داخلی و خارجی پیروز خواهد بود.

و الحمد لله که ملت افغانستان با این طرز تفکر که اندیشه قاطبه ملت بزرگ ماست تا حال محفوظ مانده است. و حال اگر هر جریان و یا حرکت سیاسی و یا جریان مذهبی وابسته به خارج و یا اغیار خواسته باشد شیرازه این اتحاد و وحدت اسلامی را از طریق طرح اندیشه سخیف تجزیه و یا تشکیل واحد های مستقل منطقه ئی، برهم بزند بییقین که این عمل بر خلاف دین مبین اسلام و شریعت سالارانبیا و پیشوای عالم بشریت حضرت محمد(ص) بوده و

مجریان این حرکت ضد دینی، هم در دنیا به پیشگاه ملت مسلمان افغانستان و هم در آخرت در محکمه عدل الهی پاسخ گو خواهند بود.

حال باید اذعان داشت که طرح مفکوره تجزیه افغانستان، حرکتی است برخلاف موازین شرعی و اسلامی و در راستای پیاده کردن اهداف استعمار و اشغال افغانستان، که توسط قدرتهای بزرگ جهانخوار و کشورهای همسایه آزمند و بدطینت ما، مطرح گردیده و از نظر قاطبه ملت ما و همه مسلمانان جهان مردود و عمل ضد اسلامی بحساب می آید.

در فرجام از بارگاه حضرت خداوند منان میخواهیم تا همه ما و ملت مسلمان افغانستان را از شر این دسایس خطرناک و همه نقشه های شیطانی دشمنان مسلمانان و کشورهای اسلامی جهان، نجات داده و همه ما و ایشان را از جمله دوستان، محبان و پیروان راستین و مومنین حقیقی این شعار پر جلال دینی ما :

## ( حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ )

قرار داده و همیشه با استقامت داشته باشد.  
آمین یارب العالمین

پایان

---

د پانو شمیره: له ۵ تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ